بسم‌الله الرحمن الرحیم

# پدر مهربان

## آقا امضا نمی‌‌کنیم، مگه زوره؟

امام به ما دانش‌آموزا همون درسی رو داد که خودش از کلاس درس سیدالشهدا یاد گرفته بود. امام خمینی از امام حسینمون یاد گرفته بود که ما حاضریم زیر سم اسبا بریم، ولی زیر بار زور و ظلم نریم، چون عقیده‌مون حقه. حالا درس امام رو با خودمون که دانش‌آموزیم و فردای کشور برای ماست، یه بار مرور کنیم:

«كه اگر بندبند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‏هاى آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستى‏مان را در جلوى ديدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان‌نامه كفر و شرك را امضا نمى‏كنيم...»

صحيفه امام ج‏21، ص: 74

# برای دوستم چی بفرستم؟

کلاغ و طوطی، هر دو زشت و سیاه آفریده شدند، طوطی اعتراض کرد و زیبا شد و کلاغ راضی بود به خلقت خالقش. اکنون طوطی در قفس و کلاغ آزاد! بنده و راضی به رضایش باش تا آزاد باشی!

# خنده این شماره؛

خدابیامرزه پدربزرگم رو. همیشه می‌گفت که ناهار مثل تیر می‌مونه تا می‌خوری باید بیفتی!

خخخخ

# مراقبه؛

## اثر لیموترش

فقط ۱۰ ثانیه تصور کنید که دارید لیموترش می‌خورید، ببینید: دهنتون بزاق ترشح می‌کنه.

وقتی ۱۰ ثانیه فکر کردن به لیموترش این‌قدر در بدن ما واکنش ایجاد می‌کنه، اون‌وقت ۱۰ دقیقه تمرکز روی اتفاقات و مسائل منفی و ساعت‌ها استرس و عصبانیت چه تأثیر ویرانگری روی جسم و روح ما می‌ذاره، چه برسه به انجام دادنشون!

مثال لیموترش یادت بمونه. وقتی افکار منفی اومد تو سرت، بدون که اگه تا 20 ثانیه ادامه‌شون بدی، دیگه داری تیشه به ریشه زندگی‌ات می‌زنی.

خیلی خوبه که دائماً از خودمون بپرسیم مفیدترین فکر و کاری که باید بکنیم، چیه؟

براساس کانال برهان

# سیره شهدا و فرهنگ پایداری:

## با این سن کمش، چیا گفته!

بار خدایا از کارهایی که کرده‌ام به تو پناه می‌برم ازجمله:

از این‌که حسد کردم

از این‌که زیبایی قلمم (نوشته‌ام را) را به رخ کسی کشیدم

از این‌که در غذا خوردن به یاد فقیران نبودم

از این‌که مرگ را فراموش کردم

از این‌که در راهت سستی و تنبلی کردم

از این‌که عفت زبانم را به لغات بیهوده آلودم

از این‌که منتظر بودم تا دیگران به من سلام کنند

از این‌که شب، بهر نماز شب‌ بیدار نشدم

از این‌که دیگران را به کسی خنداندم، غافل از این‌که خود خنده‌دارتر از همه هستم

(فرازهایی از توبه‌نامه شهید 13 ساله -شهید محمودی- به نقل از سایت قافله)

# هوش و سرگرمی:

## یک معما

معما

فرض کنید راننده یک اتوبوس برقی هستید. در ایستگاه اول ۶ نفر وارد اتوبوس می‌شوند، در ایستگاه دوم ۳ نفر بیرون می‌روند و پنج نفر وارد می‌شوند. راننده چند سال دارد؟

پاسخ معما:

راننده اتوبوس هم‌سن شما باید باشد. چون جمله اول سؤال می‌گوید «تصور کنید که راننده اتوبوس هستید.»

# یک پیشنهادکتاب‌های کپسولی

کتاب‌های کپسولی محتوایی بسیار تأثیرگذار و کاربردی داشته و با حجم کم، نیازمند صرف زمان اندک برای خواندن است.

## منوچهر مدق به روایت همسر شهید

عنوان کتاب: اینک شوکران ۱/ نویسنده: مریم برادران /ناشر: روایت فتح/ قطع پالتویی/ تعداد صفحات: 87 صفحه/ قیمت: ۵۰۰۰ تومان

کتاب هرچند کم‌حجم است، ولی محتوایی به میزان هفتاد من کاغذ دارد. این کتاب از رابطه‌ صمیمی و عشق واقعی بین دو عاشق روایت می‌کند که یک‌طرف این عشق، سرفه‌ها و تاول‌ها و دردهای یک جانباز شیمیایی است. کتاب از رابطه‌ای حکایت می‌کند که سرانجامش سال 1379 هست و این سال را می‌توان شروعی دوباره برای ادامه‌ حیاتی جدید دانست.

# دانستنی‌ها؛

## اول میوه، بعد گوشت

آیا می‌دانستید که قرآن کریم در توصیف غذای بهشتیان ابتدا از میوه و سپس از گوشت سخن می‌گوید و در این امر رازی پزشکی نهفته است. می‌دانیم که میوه‌ها دارای قند مناسب و با خاصیت جذب و هضم آسان هستند که خود منبع اصلی انرژی بدن بوده و گرسنگی را نیز از بین می‌برد. حال‌آن‌که اگر انسان ابتدا به خوردن گوشت مشغول شود، بدن به سه ساعت زمان نیاز دارد تا غذا را هضم کند و از طرف دیگر نیز خوردن میوه بعد از غذا، باعث فاسدشدن آن در معده می‌شود؛ و این‌جاست که حکمت الهی نمود پیدا می‌کند، آن‌جا که خداوند می‌فرماید: «و میوه‌ها را از هرچه اختیار کنند و از گوشت پرنده‌ها هر چه بخواهند»(سوره واقعه آیات 20 و 21) این حقیقت علمی را مدنظر داشته و آن را در ماه روزه اجرا کنیم.

# عبرت:

## و این است صفت آزادگان

حکیمی را پرسیدند چندین درخت نامور که خدای عزوجل آفریده است و برومند، هیچ‌یک را آزاد نخوانده‌اند مگر سرو را که ثمره‌ای ندارد. در این چه حکمت است؟ گفت هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم به وجود آن (آن میوه و ثمره) تازه آید و گاهی به عدم آن، پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه‌وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.

 (گلستان سعدی، باب هشتم)

# یادداشت اول

## نهی از منکر از جنس اقتصاد مقاومتی

**در کشور ما که اقتصادش همواره مورد حمله قرار می‌گیرد، اگر کالایی مشابه ایرانی دارد، کسی حق ندارد کالای خارجی را بخرد.** اگر کسی این حرف ساده را نفهمید، باید او را نهی از منکر کرد. اما چگونه؟ به خبر زیر توجه کنید:

**«دانش‌آموزان نخبه ایرانی، پس از کسب رتبه علمی در مسابقات کشوری از پذیرش هدیه‌شان که لوازم‌التحریر خارجی بود، خودداری کردند.»** آفرین به غیرت این دانش‌آموزان! با این کارشان به آن دسته از مسئولانی بی‌مسئولیتی که دغدغه اقتصاد مقاومتی نداشتند فهماندند که چه کار اشتباهی کرده‌اند. زنده باد!

راستی نکند وسایل مدرسه شما خارجی باشد. تا حالا دقت کرده‌اید؟

## در محضر قرآن- کجایند اهل اراده؟

می‌خواهد درس بخواند، می‌خواهد رشد کند، می‌خواهد توبه کند، می‌خواهد به خدا نزدیک شود... اما همه این‌ها در حد خواستن است و هیچ تلاشی نمی‌کند! **اگر «عزم» و «اراده»اش جدی بود، همه چیز را فدای این خواستن‌ها می‌کرد...**

\*\*\*

بهترین جایی که فکرش را بکنی، خدا در اختیار حضرت آدم (علیه‌السلام) و همسرش حضرت حوا (سلام‌الله‌علیها) قرار داد. البته این بهشت قیامت نبود، چون شیطان در آن راه نفوذ داشت! خدا هم هشدار لازم را داده بود که ای آدم، به این درخت نزدیک نشو و مواظب این شیطان باش که دشمن من و توست! اما چه فایده، ابلیس آن‌قدر وسوسه کرد که بالاخره کارگر افتاد. اما آدم...

**وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً[[1]](#footnote-1)**

ما در او عزمى استوار در حفظ آن نيافتيم.

**احترام حضرت آدم (علیه‌السلام) بر همه ما واجب است، اما باید از داستان این پیامبر برگزیده خدا درس عبرت بگیریم. اگر عزم‌مان را جزم نکنیم، خیلی عقب می‌افتیم!**

## در محضر اهل‌بیت- لم نده!

**تا وقتی بچه بودیم، روی دوش پدرمان بازی می‌کردیم. اما برخی‌ها هنوز هم انگار بزرگ نشده‌اند و می‌خواهند همان کارهای کودکی را ادامه دهند. نه، دیگر نمی‌شود!**

\*\*\*

پسر و پدر در حال راه رفتن بودند. اما به جای این‌که پسر طوری گام بگذارد که پدر را کمک کند، به او لم داد و وزنش را روی او انداخت. اما صادق و امام باقر (علیهماالسلام) این پدر و پسر را دیدند. امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرمایند: پدرم که این صحنه را دید، آن‌قدر عصبانی شد که...

**مَا كَلَّمَهُ أَبِي (علیه‌السلام) مَقْتاً لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا.**

پدرم- به خاطر عصبانیت از او- با آن پسر دیگر صحبت نکرد، تا این که از دنیا رفت.

# احکام

## غیبت با کنایه

یک‌دفعه وسط صحبت با دوستانش می‌گوید: «آره، من مثل بعضیا نازک‌نارنجی نیستم.» طوری‌که همه دوستانش می‌فهمند منظورش چه کسی است. به این کار می‌گویند غیبت کردن با کنایه.

متن دقیق رساله:

فرقی نمی‌کند که انسان آشکارا از کسی بدگویی کند، یا با کنایه؛ مثلاً بگوید: «ما دچار این مشکل نمی‌شویم، مال حرام نمی‌خوریم یا در مال وقفی تصرف نمی‌کنیم» و همه بفهمند مرادش فلانی است. این هم مصداق ذکر سوء است و به همین دلیل غیبت و حرام است.

رساله آموزشی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بخش غیبت

سؤالات

1. در محضر قرآن- چرا خیلی از کارهایی را که می‌دانیم به نفع‌مان است، انجام نمی‌دهیم؟
	* چون عزم و اراده قوی نداریم.
	* چون کارهای مهم‌تری داریم.
	* جون معلوم نیست به نفع‌مان باشد.
2. در محضر اهل‌بیت- چرا امام صادق (علیه‌السلام) دیگر با آن پسر صحبت نکردند؟
	* به خاطر این که به پدرش خیلی احترام می‌گذاشت.
	* به خاطر این‌که به پدرش لم داده بود.
	* به خاطر این که با پدرش خیلی صمیمی بود.

یادداشت اول- اگر کسی کالای خارجی که مشابه ایرانی دارد، بخرد، وظیفه ما چیست؟

* باید او را نهی از منکر کنیم.
* باید به مدیر مدرسه بگوییم.
* وظیفه خاصی نداریم ولی نباید خودمان مرتکب این کار بشویم.

احکام- آیا بیان عیب کسی با کنایه زدن نیز غیبت محسوب می‌شود؟

* خیر، اشکالی ندارد.
* بله ولی فقط درصورتی‌که بعداً نتواند جلوی خودش این حرف را تکرار کند.
* درهرصورت بله.

1. طه،115 [↑](#footnote-ref-1)